

نژاد انسانی

جای دادن انسان‌ها در گروه‌های نژادی مختلف نه تنها از لحاظ اجتماعی بی‌ارزش است، بلکه مخرب روابط اجتماعی و انسانی نیز هست و چون این تقسیم‌بندی اهمیت ژنتیک یا تاکسونومیک ندارد، هیچ‌گونه توجیهی برای تداوم آن موجود نیست.

ریچارد لیونتنین^۱

کلیدواژه‌ها: تبعیض نژادی، ژنوم انسانی، ژنتیک جمعیت.

ترجمه: غزاله نعمت‌اللهی

«ظهور انسان» نوشته‌است که ویژگی‌های ذهنی نژادهای مختلف انسانی بسیار متفاوت است؛ مخصوصاً در ابراز احساسات و توان هوشی. از آزمون‌های بهره‌هوشی که در سال‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ از قرن بیستم صورت گرفت، چنین استنباط شد که گروه‌های قومی بهره‌هوشی یکسان ندارند؛ چون این آزمون‌ها نشان می‌دادند که بهره‌هوشی آمریکایی‌های آفریقایی تبار کمتر از بهره‌هوشی سفیدپوستان و میانگین بهره‌هوشی مردم شرق آسیا و نیز یهودیان اشکنازی بیشتر از این دو است.

ریچارد هرنشترین^۲ و چارلز موری^۳ در سال ۱۹۹۴ احتمال ذاتی بودن این تفاوت‌ها را مطرح کردند و پژوهشگرانی مانند ریچارد لین^۴ و فیلیپ روشتون^۵ از این هم فراتر رفتند و استدلال کردند که تفاوت‌های طبیعی در بهره‌هوشی ممکن است علت نابرابری‌های جهانی را توضیح دهند، یعنی همان نکته‌ای که واتسون در گفت‌وگوی

انسان است و بنابراین، بعید نیست که اقوام مختلف بشری ظرفیت‌های ذهنی متفاوت داشته باشند. پس چرا این اظهارات واتسون این چنین تفرقه‌انداز و آتش‌افروز معرفی شدند؟ آیا متهم کردن این ژنتیک‌دان بزرگ به انتشار عقایدی که از لحاظ ژنتیک معتبر اما از نظر سیاسی نادرست‌اند، کار صحیحی بود؟

نژاد انسانی و هوش

واتسون نخستین دانشمندی نبود که ادعا کرد افراد متعلق به نژادهای مختلف توانایی‌های هوشی ذاتی متفاوت دارند. اندیشهٔ تفاوت در توانایی‌های ذهنی نژادهای مختلف بشری در

جیمز واتسون در پاییز ۲۰۰۷، پس از انتشار کتاب جدیدش، در گفت‌وگویی مطبوعاتی نسبت به آینده آفریقا اظهار تأسف کرد و گفت: «سیاست‌های توسعه بر این اساس بنا شده‌اند که هوش آفریقایی‌ها هم به اندازهٔ هوش غربی‌ها در نظر گرفته شود؛ در حالی که همهٔ آزمایش‌ها این ادعا را رد می‌کنند». او سپس اعلام کرد که گرچه دوست داشته همهٔ انسان‌ها یکسان باشند «اما همهٔ کسانی که با کارکنان سیاه‌پوست سروکار داشته‌اند، دریافته‌اند که این‌طور نیست». این اظهارات واتسون در مورد وراثتی بودن هوش و کم‌هوشی سیاه‌پوستان برای او بسیار گران تمام شد و آتش بحثی خشم‌آلود را شعله‌ور کرد. دانشمندان واتسون را امواج حمله قرار دادند و دیدگاه او را نه بر مبنای شواهد و مدارک، بلکه غیرعلمی دانستند. در پی آن، سخنرانی‌های او یکی پس از دیگری لغو شدند و او را از منصب دانشگاهی برکنار و بازنشسته کردند.

* آیا متهم کردن این ژنتیک‌دان بزرگ به انتشار عقایدی که از لحاظ ژنتیک معتبر، اما از نظر سیاسی نادرست‌اند، کار صحیحی بود؟

اما می‌دانیم که هوش یکی از صفات ارثی قرن نوزدهم رایج بود. چارلز داروین در کتاب تکامل رنگ پوست

تکامل رنگ پوست

انسان اندیشمند (*Homo sapiens*) در آفریقا پدیدار شد و رنگ پوست نخستین آدمیان سیاه بود اما چرا رنگ پوست بسیاری از آدمیان امروزی روشن است؟ ممکن است یکی از علت‌ها زندگی در ارتفاعات باشد. هر چه مقدار ملانین در پوست بیشتر باشد، مقاومت انسان در برابر پرتوهای فرابنفش خورشیدی که سرطان‌زا هستند، بیشتر می‌شود. ملانین هم‌چنین از تولید ویتامین دی در حضور نور ضعیف جلوگیری می‌کند. هرچه انسان‌ها بیشتر به شمال خط استوا مهاجرت کردند، انتخاب طبیعی پوست روشن‌تر را بیشتر انتخاب کرد. چون سرطان پوست از کمبود ویتامین دی کم‌خطرتر است، به همین علت افراد سیاه‌پوستی که در شمال اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند، بیشتر به راشیتیسم دچار می‌شوند. اخیراً ژنی به نام *slc245a5* کشف شده است که ممکن است مسئول رنگ پوست باشد.

دانشگاه یوتا پیشنهاد کرد که هوش افراد اشکنازی ممکن است به تاریخ یهودیت و نقش سنتی آنان در داد و ستد و مسائل پولی ربط داشته باشد. این فشارهای انتخابی ممکن است به نفع ژن‌هایی کار کرده باشند که

✳ اگرچه تفاوت در بهره هوشی اقوام مختلف انسانی واقعیت دارد، اما بیشتر عوامل اقتصادی - اجتماعی را مسئول آنها می‌دانند.

biDil فقط برای افراد افریقایی تبار امریکایی تجویز می‌شود. در هیچ یک از این موارد رنگ پوست اهمیت ندارد. رنگ پوست نیز همراه با دیگر ژن‌ها انعکاسی است از راه‌های مختلف سوخت و ساز.

توانایی ورزشی

در المپیک سال ۱۹۸۰ آلن ولز^۸ سفیدپوست برنده دو صدمتر شد. در این سال تحریم باعث شده بود که دوندۀ سیاه‌پوست دو سرعت امریکا در این مسابقه شرکت نکند. سیاه‌پوستان هم‌چنین در رشته‌های فوتبال امریکایی و بستکیال مقام اول را دارند. این باعث شده است که برخی تصور کنند افراد سیاه‌پوست در انجام دادن برخی ورزش‌ها، مخصوصاً آنهایی که به قدرت و سرعت نیاز دارند، تواناترند. البته این تصور ممکن است درست باشد. چون ژن‌هایی مانند ژن ACTN3 که باعث انقباض سریع رشته‌های ماهیچه‌ای و سرعت ناگهانی زیاد می‌شوند، وجود دارند؛ اما شواهدی مبنی بر وجود آنها در نژادهای خاص مشاهده نشده است. ممکن است دستاوردهای ورزشی سیاه‌پوستان به علت وضعیت اجتماعی یا سنت‌های فرهنگی باشد که ورزشکاران را به ورزش‌های خاص سوق می‌دهند. ورزش هم‌چنین محدودیت‌های گروه‌های نژادی سنتی را بیشتر آشکار می‌کند. در سال ۲۰۰۰ جان انتین در کتاب خود «تابلو» نوشت که اصالت بیشتر قهرمانان دو سرعت مربوط به غرب افریقا، ولی اصالت بیشتر قهرمانان دو استقامت سیاه‌پوستان شرق یا شمال افریقا بوده است. بنابراین، رنگ پوست با قومیت متفاوت است.

سبب بهبود کارکرد ذهن می‌شوند. این ژن‌ها سپس با سرعت در جامعهٔ بستهٔ یهودیان که به ندرت با افراد غیریهودی ازدواج می‌کنند، منتشر شده است.

درواقع شواهد اندکی در اثبات این ادعاها وجود دارد. اگرچه تفاوت در بهره هوشی اقوام مختلف انسانی واقعیت دارد، اما بیشتر عوامل اقتصادی - اجتماعی را مسئول آن‌ها می‌دانند. داده‌هایی که اخیراً به دست آمده‌اند، نشان می‌دهند که امریکایی‌های افریقایی تبار هم‌اکنون هم‌زمان با بهبود سطح زندگی در حال پر کردن شکاف هوشی خود هستند. فرضیهٔ هوش افراد اشکنازی که زمانی طرفداران بسیاری داشت، اکنون در حال فراموش شدن است. این واقعیت که هوش تحت تأثیر ژن‌ها قرار دارد، به هیچ وجه به این معنی نیست که فراوانی ژن‌های هوش در اقوام مختلف انسانی متفاوت است. هرگونه ادعایی در این باره به صورت فرض مطرح می‌شود، نه واقعیت.

آیا نژاد انسانی مفهوم علمی دارد؟

ریچارد لیونتین زیست‌شناس امریکایی در سال ۱۹۷۲ استدلال کرد که مفهوم نژاد نه ارزش اجتماعی دارد و نه علمی. بعداً، نقشهٔ ژنوم انسان نشان داد که او درست می‌گفت. حدود ۹۹/۷ تا ۹۹/۹ درصد DNA انسانی در همهٔ افراد کره زمین یکسان است. تفاوت‌های اندکی که سبب می‌شوند افراد منحصر به فرد

باشند در گروه‌های قومی متفاوت بیشتر نمود دارند. ژن‌های یک فرد امریکایی افریقایی تبار شباهت بسیاری با ژن‌های افراد چینی با سفیدپوستان قفقازی دارد. لیونتین معتقد است که علم نباید با گروه‌بندی‌های گمراه‌کنندهٔ کلیشه‌ای نژادی کاری داشته باشد. بی‌گمان یافته‌های ژنتیک ایدئولوژی‌های شبه‌علمی مربوط به تبعیض نژادی را رد می‌کنند اما علم تفاوت‌های بزرگی بین جمعیت‌های آدمی یافته است. چون رنگ پوست انسان نشانگر ضعیفی برای پی بردن به اجداد اوست و نوسان‌هایی گسترده در گروه‌هایی که ما آن‌ها را «سیاه‌پوست»، «سفیدپوست» یا «آسیایی» می‌نامیم وجود دارد، می‌توان دقیق‌تر اجداد را از روی ژنوم هر فرد ردیابی کرد.

فراوانی بعضی از بیماری‌های خاص در بین برخی از گروه‌های قومی بیشتر است. کم‌خونی ناشی از گویچه‌های سرخ داسی شکل در بین افراد افریقایی تبار و افراد مدیترانه‌ای بیشتر است. مالتیپل اسکلروز در میان سفیدپوستان بیشتر رایج است و بیماری‌های ساکس بیشتر در بین افراد قوم اشکنازی شیوع دارد. این دانش به کار تشخیص بیماری‌ها در پزشکی می‌آید و برای اثبات گروه‌های نژادی نامناسب است.

می‌توان از نژاد در پیش‌بینی پاسخ به داروهای خاص نیز استفاده کرد. داروی ضدافسردگی کلوزاپین^۷ بر افراد افریقایی - کارائیب اثرهای جانبی بیشتر دارد و داروی قلبی

هاپلوتیپ نیز که مجموعهٔ DNA وراثتی است در افراد متعلق به قوم‌های مختلف متفاوت است. شناخت کم و کیف آن برای شناسایی ژن‌های بیماری‌ها اهمیت دارد. HapMap فقط در افراد متعلق به چهار گروه قومی وجود دارد: اروپایی‌ها، یوروباهای نیجریه‌ای، چینی‌های هان و ژاپنی‌ها، بنابراین، تحقیقات ژنتیک در جمعیت‌های مختلف متفاوت است. در ژنوم انسان چیزی که تأییدکنندهٔ تبعیض نژادی باشد، یافت نشده است. جای دادن انسان‌ها براساس میانگین صفات در گروه‌های مختلف به هر شکل نادرست است، اما این هم نیز نادرست است که هرگونه تفاوت را در جمعیت‌های مختلف انسانی نادیده بگیریم و انکار کنیم.

پی‌نوشت

1. Richard Lewontin
2. Richard Herrnstein
3. Charles Murray
4. Richard Lynn
5. philippe Rushton
6. Henry Harpending
7. Clozapine

8. Allan Wells

منبع

Henderson, M.; 2008; 50 Genetics Ideas You Really Need to Know; Quercus Publishing Plc.; London